

## نگاهی به:

# سینمای کودک

همراه باره آورد اصفهان در دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

تاریخ: ۱۳۸۷



هدف، تکسنگ، شوفا یا داخل به این فنی و هنری دیگر در سینمایی که انگار چیزی ست که برای آنها نداشتن را که در این شده است. و بازیگران کودکان، برای آن هردوی آن هستند. پس نه سن سرچشمه اصلی همان کودکان هستند. این سینمای مهمی است که یک فیلم را نمی‌تواند از اصول فنی و عملی بررسی کرده، چنانکه از تئاتر جدی و عالی با کتبه عناصر مهم کارگردان، بازیگر، طرح صحنه و عرصه، تماشاگر، باید همان مهارتی را داشت که بزرگان برای تهیه یک فیلم به کار می‌روند و فرزند ماکه محروم از باروری هدی و است - فردا نه تنها از تماشاگران - اما تماشاگران بیرون خبرگان بین فن نیز نخواهد بود. هردو حالت در جهل و نادانی، و مسدود ریشه در، مانده‌گان خواهد شد.

دیگر اینکه کودک، در تکامل به این هنر در تمامی بعدش نقشی تعیین کننده دارد و این امر به شیوه آموزش هنری و بستگی دارد. هرچه بیشتر نگرش تصویری خود را وسیع کنیم، بی‌شک، این تماشاگر آینده ساز را بیشتر و نگرشی ژرف تر به سوی آن خواهد بود. و ضلایه‌داران سینمای کودک سهم بیشتر خواهند داشت به شرط اینکه خود بزرگان سینما و خودپسندی‌ها کنار گذاشته شود، البته آثار در مکانات و بهادادن به تلاش آنها بیشتر نه در



### ● محبوبه بیات:

۱- امسال اصلاً جشنواره نرفتم و صلاً کم اتفاق می‌افتد که به دیدن فیلمها بروم.  
۲- تعطیلات را ترجیح می‌دهم در خانه در تهران باشم.

### ● حمید تمجیدی:

۱- جشنواره امسال گامی به عقب بود و جشنواره خوبی نبود. همچنین در تدارک ساختن سری دوم مزد ترس هستم.  
۲- عید احتمالاً پیرامون مسئله سریال به ترکیه و ارمنستان خواهم رفت.

### ● استاد سید حسینی:

در تماسی که با جناب سید حسینی، مترجم و متفکر سرشناس کشورمان داشتیم، استاد را در بستر بیماری و کسالت یافتیم و... امیدواریم که هنوز و همیشه احوالات ایشان خوب و تندرست بوده باشد. و سال ۷۳ برای ایشان سال شادی و سلامتی باشد.

### ● منیر وروانی پور:

۱- متأسفانه نتوانستم کارها را ببینم.  
۲- به جنوب می‌روم، استان بوشهر و روستاهای اطراف آن.

### ● مینا صارمی:

۱- متأسفانه هیچ‌کاری را نتوانستم ببینم. فقط یک مقدار مطالعه برای آینده در نظر دارم.  
۲- عید احتمالاً به شمال می‌روم.

### ● اکبر رادی:

۱- نتوانستم هیچ کاری ببینم. به عنوان کار جدید، چند نمایشنامه برای تصویر داده‌ام.  
۲- عید برنامه مشخصی ندارم.

### ● بیتا فرهی:

۱- متأسفانه مشغول کار فیلم بودم و نتوانستم هیچ فیلمی را ببینم.  
۲- عید در تهران هستم و هیچ‌جا نیز نخواهم رفت.

### ● پرویز پورحسینی:

۱- برای سینما تئاتری به بیهان رفته بودم و در حال حاضر مشغول کار با آقای رسول نجفیان هستم.  
۲- عید سر تمرین همین کار هستم.

### ● عبدالرضا اکبری:

۱- و الله جشنواره امسال را زیاد کاری ندیدم. ولی تا آن جایی که می‌دیدم، متوجه شدم که جشنواره امسال از نظر کیفیت ضعیف‌تر از سالهای قبل بود و به غیر از یکی دو تا فیلم کار خوب زیاد نداشتیم. همسر و پناهنده. به نظر من دلیل پائین آمدن کیفیت فیلمها این است که هیئت بازیابی برای بخش مسابقه دقت لازم را نداشتند و این سطح کیفی کار را آورده بود پائین. همچنین مشغول کار با آقای افخمی در فیلم روز شیطان و کار سریال سری دوم مزد ترس.  
۲- به دلیل اینکه مشغول کار در فیلم روز شیطان هستم، فکر نمی‌کنم بتوانم جایی بروم.

شماره بعدی  
سینما تئاتر از ۱۵  
اردی بهشت ماه

۱۳۷۳ به طور

ماهانه و منظم

منتشر خواهد شد



بقیه از صفحه ۱۵

آنچه که بافت قصه است، ارائه شود. بافت در فیلم کودکان لازمه‌اش قصه‌ای آرام است، تقسیم حوادث در نظر گرفته شده بر مبنای علت‌های منطقی و به تصویر کشیدن تلاشها و روابط قهرمان، یا قهرمانان - باید برای تحقق هدفی بزرگ باشد، تا بتواند حوادث مطرح شده را عینیت بخشد.

شیوه صحیح آن است که فاصله بین طرح مسئله و خاتمه آن کوتاه باشد، چرا که کودک توانایی پیگیری و بررسی سریع و مداوم را از نظر روحی برای حل و خاتمه آن ندارد. و اگر غیر از این باشد، فیلمنامه‌نویس و کارگردان را وادار می‌سازد که بیانی پیچیده و ناهنجار اختیار کند، یا به عبارات و صحنه‌های جنبی به صورت تعلیقات مفصل یا اندر زهای کودکانه که از واقعیت فیلم به دور است، بپردازد.

همه اهداف و ساختار فیلم برای کودکان است و این مسئله فیلمنامه‌نویس یا کارگردان را به سوی قالبهای خشک که آزادی را از هنرمند سلب می‌کند، سوق نمی‌دهد، و توانایی‌های خلاقیت دو جانبه (یعنی کودک و هنرمندان) را نه تنها به زنجیر نمی‌کشد، بلکه اوست که همه پلهای ارتباطی و اصلاحاتش را می‌سازد. پس آنچه که اصول نامیده می‌شود تنها چراغهایی هستند فراراه پویندگان، که از آن بهره‌مند میشوند، و همیشه طلایه‌دار نیروی خلاقه است. □

سینمای کودک در مسیر واقعی و گسترده تکامل می‌یابد به ویژه در این برهه از زمان.

با این مقدمه اشاره به این نکته واجب است که مهم‌ترین اصل سینمای کودک، برخورداری از فیلمنامه‌ای است که از نظر ترکیب و هدف منطبق با روحیات کودکان تماشاگر ما در سنین مختلف باشد، چرا که هریک از آنها جذب موضوعات و ترکیبات معینی می‌شوند، چرا که برای هر سنی جاذبه‌های ویژه‌ای وجود دارد، و آنچه که این جاذبه‌ها را پایدار نگاه میدارد ماده اصلی فیلمنامه، و فرارهای فکری و زیربنایی آن است. این موضوع خواه برگرفته از اساطیر، مبارزات ملی، حوادث اجتماعی، و حکایات و شگفتیها، و یا برگرفته از قصه‌ها و روایت‌ها و حتی نمایشنامه‌های معروف یا داستانهای تخیلی باشد.

آنچه که هم اکنون به عنوان اشتباهی فراگیر دو اکثر کشورهای غرب و شرق و از جمله کشور ما رایج است محدود کردن همه بافت‌ها در چهارچوب سنت قدیمی سینماست. حال آنکه یکی منطبق با آن دیگری نه. داستان فیلم یکی از عوامل بافت است. به طور مثال ما می‌خواهیم قصه دختری بنام منارا به فیلم درآوریم، این داستان شاید در ده فیلم تکرار شده باشد، ممکن است در هر ده فیلم مشابهتی نزدیک داشته باشند، اما از نظر پرداخت چگونه هستند؟ آیا یکسانند؟ در اینجا باید اقرار کرد که، عدم شناخت بافت قصه یا گره موجب می‌شود که پرداختی غیر از